
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

تحلیل فضاهای معماری و شهری

«هنر»

(طراحی شهری)

مولف: فخری اعظم افصحی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجایی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای منابع مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آن وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی که شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای داوطلبان عزیز را پوشش داده است. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی‌نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنابراین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

نـاشـــــــر

www.arshadbook.ir

پیشگفتار مولف

به لطف پرودگار مهربان فرصتی فراهم شد تا به طریقی در خدمت دوستان عزیز متقاضی آزمون کارشناسی ارشد باشم. فرصتی گرانبها که امید دارم رهاورد آن، که مجموعه پیش‌روست، مورد پسند و استفاده این گرانقدران قرار گیرد. پیش از آغاز کلام در باب معرفی مجموعه پیش رو ضروری می‌دانم توضیحاتی پیرامون علل و نحوه شکل‌گیری و گردآوری این شرح جامع برای دوستان دانشجو و کلیه عزیزانی که به طریقی از آن استفاده می‌کنند، ارائه دهم.

همواره یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد طراحی شهری که خود از نزدیک با آن مواجه بوده‌ام، پراکندگی و گسستگی منابع آزمون بوده است. به گونه‌ای که حجم بالای این کتب در بدو امر نگرانی فراوانی را برای دانشجویان ایجاد می‌نماید. این پراکندگی و حجم بالا در خصوص کلیه دروس طراحی شهری و به ویژه درس تحلیل فضاهای شهری ایران و جهان که از سرفصل‌های آزمون کارشناسی ارشد می‌باشد، مشاهده می‌شود. از این روی، در پی آن بودیم تا این مشکل را به طریقی برای دانشجویان محترم تسهیل نماییم.

در این راستا، همراه با تنی چند از دوستان هم‌فکر و خلاق راه‌حل را در آن یافتیم که شاید گردآوری کلیه این مطالب در یک مجموعه مدون و هماهنگ بتواند راهگشای مناسبی برای این امر باشد.

به لطف حق‌تعالی اجرای این اندیشه در آشنایی و تعامل با موسسه محترم انتشارات ارشد و شناخت شیوه نگرش این عزیزان که خوشبختانه کاملاً همسو با ذهنیات و تلقیاتمان بود، مسیر شد. که حاصل آن شکل‌گیری مجموعه‌ای متشکل از جزوات مرتبط با سرفصل‌های آزمون طراحی شهری بود که این مجموعه نیز یکی از آن‌هاست.

در کتاب حاضر که در بردارنده نکات و سرفصل‌های مهم بخش عمده‌ای از آن کتب مرجع است، سعی گردیده است تا کلیه نکات ضروری به صورت مطالب منسجم همراه با تست‌ها و نکته‌هایی جهت تسهیل امر یادگیری گنجانده شود. منابع مورد استفاده نیز از میان عمده‌ترین کتبی که به عنوان مرجع سوالات کنکور تاکنون مطرح بوده اند، گردآوری و تألیف گردید. تا داوطلب عزیز بتواند در یک انسجام فکری و روند پیوسته و مشخص به مطالعه پرداخته، بهره لازم را از آن ببرد. این مجموعه با عنوان شرح جامع تحلیل فضاهای معماری و شهر از صافی چنین اندیشه‌ای و با گذر از این مراحل تدوین گردید.

در پایان این کوتاه، فرصت را غنیمت شمرده، سپاس بی‌کرانم را تقدیم خانواده عزیز و همراهم، دوستان مهربان و راهنما و کلیه گرانقدران مجموعه انتشارات ارشد که همراهی، همفکری و دلسوزی آنان گردآوری این کتاب را مسیر ساخت، می‌نمایم. امید که فتح بابی باشد برای موفقیت داوطلبین پرتلاش و خلاق در کنکور آتی.

با آرزوی توفیق

فخری اعظم افصحی

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول: ماهیت طراحی شهری و طراحی شهر

تاریخچه تکوین حرفه طراحی شهری ۱۶
مقیاس طراحی شهری ۱۹
محیط ۱۹
فضا (جوهر و اساس حوزه طراحی شهری) ۲۰
فضای شهری ۲۱
حرکت و فضای شهری ۲۳
فضا و زمان ۲۵
فضای شهری و فرهنگ ۲۶
انواع فضاها در شهر ۲۶
فضاهای باز و بسته ۲۷
انواع فضاهای شهری ۲۷
الف. ورودیها ۲۸
توقعات موضوعی از ورودی ۲۸
ب. میدان‌ها و فلکه‌ها ۲۹
توقعات موضوعی از گره ۲۹
پ. مسیرها ۲۹
توقعات موضوعی از مسیر ۳۰
ت. لبه آب ۳۰
توقعات موضوعی از لبه آب ۳۰
ث. پله ۳۰
توقعات موضوعی از پله ۳۰
اجزای کالبدی تشکیل‌دهنده فضای شهری ۳۱
کف ۳۱
بدنه ۳۱
سقف ۳۲
اجزاء مستقر در فضا ۳۲
مؤلفه‌های فضای شهری ۳۲
فرم یا صورت در فضای شهری ۳۲
عملکرد در فضای شهری ۳۳
معنی در فضای شهری ۳۳
منظر شهری ۳۳
فضای شهری: بستر تعامل و فعالیت ۳۴
فعالیت ۳۴
فعالیت‌ها در فضای شهری ۳۴
انواع فعالیت‌ها ۳۴
جبری یا اختیاری‌بودن فعالیتها ۳۴
عاملین فعالیت ۳۵

عنوان **صفحه**

تعامل فضا و فعالیت ۳۵
رفتار ۳۶
دسته‌بندی رفتارها ۳۶
تأثیر فرهنگ و اجتماع بر رفتار ۳۷
تأثیر زمان بر رفتار ۳۹
تأثیر فضا بر رفتار ۳۹
الگوهای رفتاری ۳۹
توده و فضا ۴۰
مفهوم کل و جزء در طراحی شهری ۴۰
قواعد و معیارها برای دستیابی به کل مطلوب ۴۰
ساخت اصلی شهر ۴۳
میدان ۴۴
خیابان ۴۵
عوامل مؤثر بر نمود سیمای خیابان ۴۶
تحلیل نماها در فضاهای شهری ۴۶
بدنه‌ها ۴۷
نما ۴۷
خط زمین ۴۷
خط آسمان ۴۸
سطوح کدر و شفاف ۴۸
سطوح پر وخالی ۴۹
تناسبات ۴۹
تقارن ۴۹
تعادل ۴۹
ریتم ۵۰
مرکزیت ۵۰
تقسیمات پنجره ۵۱
استحکام بصری ۵۱
وحدت فضایی و شکلی خیابان، ترکیب بدنهها ۵۱
شکل شهر ۵۲
تحلیل شکل شهر ۵۲
تعریف و انواع شکل شهر ۵۴
شبکه ارتباطی در شهر ۶۷
مقدار یا حجم ترافیک ۶۹
نمودار مقدار ترافیک (بار ترافیک) ۷۰
انواع حرکت بر مبنای انگیزه آن ۷۰
سلسله مراتب شبکه ارتباطی ۷۱
سلسله مراتب شبکه ارتباطی از نظر وظیفه و اهمیت ۷۱
انواع شبکه معابر ۷۲
طراحی مسیر خیابان ۷۴

عنوان	صفحه
طراحی هندسی خیابان‌ها	۷۵
پیاده‌روها	۷۶
ویژگیهای انواع خیابان‌های شهری	۷۶
خیابان فرعی	۷۶
خیابان جمع و پخش‌کننده	۷۷
خیابان اصلی (درجه دو)	۷۷
خیابان اصلی عبوری (شاهراه)	۷۸
بزرگراه	۷۹
آزادراه (اتوبان)	۷۹
پارکینگ‌ها	۸۰
انواع پارکینگ	۸۰
نحوه استقرار وسیلهنقلیه در محوطه پارکینگ	۸۱
پارکینگ با آرایش طولی: زاویه با باند سواره 0°	۸۲
پارکینگ با آرایش عمودی: زاویه با باند سواره 90°	۸۲
پارکینگ با آرایش مایل: زاویه با باند سواره 60°	۸۳
پارکینگ با آرایش مایل: زاویه با باند سواره 45°	۸۴
پارکینگ با آرایش مایل: زاویه با باند سواره 30°	۸۴
آلودگی صوتی	۸۵
سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی	۸۷
قطار سریع‌السیر شهری	۸۷
پایداری و شهر	۸۸
سیر کوین اندیشه پایداری	۸۸
الف- منطقه‌بندی شهر و الزام مردم به سفر	۸۹
ب- طبقه‌بندی شهر از نظر اجتماعی	۸۹
ج- آثار مخرب زیستمحیطی بر شهر	۸۹
شهر پایدار فشرده، پراکنده و	۸۹
مفهوم شهر فشرده	۹۰
دلائل حمایت از شهر فشرده	۹۰
دلائل مخالفت با شهر فشرده	۹۱
عدم تمرکز غیر متمرکز	۹۲
موضع تلفیقی	۹۲
ابهام در مورد شکل و ساخت شهر فشرده	۹۳
بحثهای اکولوژیکی و زیستمحیطی	۹۴
معیارهای مورد توافق عموم صاحبنظران دربارهٔ ساخت پایدار شهر	۹۵
بررسی ساختارهای خرد یک شهر پایدار	۹۸
تقاضاهای اساسی از ساخت شهر	۹۹
الف- محله شهری	۹۹
ب- یک بخش شهری (مجموعهای از محلات)	۱۰۰
ج- شهر (مجموعهای از بخشها)	۱۰۰

عنوان **صفحه**

د- شهر بزرگ (مجموعهای از شهرهای کوچک) ۱۰۱
بررسی ساختار کلان انواع مختلف مدلهای شهری ۱۰۱
شهر مرکزی ۱۰۲
شهر ستارهای ۱۰۳
شهر اقماری ۱۰۴
کهکشان سکونتگاهها ۱۰۴
شهر خطی ۱۰۶
شبکه چندمرکزی یا شهر منطقهای ۱۰۷
مقایسه مناطق و ابعاد مدلهای شهری ۱۰۷
مقایسه شش مدل شهری براساس معیارهای پایداری ۱۰۸
خلاصه فصل ۱۰۹
تستهای آخر فصل ۱۱۲
پاسخ تستهای آخر فصل ۱۱۴

فصل دوم: مبانی، اصول و روشها در طراحی شهری

.فرآیند طراحی شهری ۱۱۷
مرحله اول: شناخت ۱۱۷
مرحله دوم: تدوین اهداف کلی ۱۱۷
مرحله سوم: تبیین اهداف (ضوابط عملیاتی) (OBJECTIVES) ۱۱۸
مرحله چهارم: تنظیم راه حلهای کلی طراحی ۱۱۸
مرحله پنجم: ارزیابی راه حلها ۱۱۸
مرحله ششم: انتخاب و تکمیل راهحل بهینه ۱۱۹
مرحله هفتم: پیشبینی اجرا ۱۱۹
اصول بررسی و کیفیات شناخت فضای شهری ۱۱۹
ادراک فضای شهری ۱۱۹
کیفیت فضا ۱۲۰
توقعات فضایی ۱۲۱
توقعات عام ۱۲۱
توقعات موضوعی ۱۲۲
توقعات موردی ۱۲۲
توقعات موضعی ۱۲۳
کیفیتهای منظر شهری ۱۲۳
کیفیتهای فضایی ۱۲۳
کیفیتهای عنصر ۱۲۴
۱- شدت INTENSITY ۱۲۴
۲- تنش TENSION ۱۲۴
۳- نقش انگیزی INGRAVIBILITY ۱۲۴
کیفیتهای بین عناصر (در سازمان فضایی) ۱۲۵
۱- تعادل BALANCE ۱۲۵
۲- تقارن SYMMETRY ۱۲۵
۳- تناسب PROPORTION ۱۲۵

عنوان **صفحه**

۴- تفوق DOMINANCE ۱۲۶
۵- وضوح CLARITY ۱۲۶
۶- تراکم DENSITY ۱۲۶
کیفیت رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (نقش و زمینه) ۱۲۶
۱- تضاد CONTRAST (تباین) ۱۲۶
۲- تقابل VERSUS ۱۲۷
۳- تجانس CONFORMITY ۱۲۷
۴- مزیت ADVANTAGE ۱۲۸
۵- انسداد HINDRANCE ۱۲۸
۶- تأکید EMPHASIS ۱۲۸
۷- محصوریت ENCLOSURE ۱۲۸
۸- تنگی NARROWNESS ۱۲۹
۹- گشادگی WIDENESS ۱۲۹
۱۰- توالی SUCCESSION ۱۲۹
۱۱- تمرکز CONCENTRATION ۱۲۹
کیفیتهای ناشی از میزان سازگاری بین مؤلفهها ۱۳۰
کیفیت سکانس‌های بصری ۱۳۰
روش‌های شناخت فضای شهری ۱۳۲
شناخت فضاهای شهری ۱۳۲
اصول طراحی فضا برای استفاده کنندگان ۱۳۴
مطالعات بصری- رفتاری ۱۳۴
طراحی مؤثرفضا برای استفاده‌کنندگان ۱۳۵
نفوذپذیری ۱۳۵
گوناگونی ۱۳۵
خوانایی ۱۳۵
انعطاف‌پذیری ۱۳۶
تناسبات بصری ۱۳۶
غنای حسی ۱۳۶
رنگ تعلق ۱۳۶
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت نفوذپذیری ۱۳۶
نفوذپذیری بصری ۱۳۸
نفوذپذیری کالبدی ۱۳۸
جبهه جلویی و عقبی ۱۳۸
ساخت وساز طولی بلوک ۱۳۹
اصول طراحی برای حداکثر نفوذپذیری کالبدی و بصری ۱۳۹
الف: آسان‌ترین راه پاسخدهی به این خواستهها طراحی بلوک‌های طولی است ۱۳۹
ب: اتصالات به حوزه های پیرامون ۱۴۰
ج: استقرار راههای جدید ۱۴۱
د: طراحی تقاطع‌ها ۱۴۲
ه: ساختار بلوک ۱۴۲

عنوان **صفحه**

و: شکل بلوک ۱۴۲
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت گوناگونی ۱۴۳
سطوح مختلف گوناگونی ۱۴۳
گوناگونی در کاربری‌ها ۱۴۳
عنصر زمان ۱۴۵
بررسی گوناگونی در یک طرح ۱۴۶
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت خوانایی ۱۴۶
خوانایی در شهرهای مدرن ۱۴۷
خوانایی در فضای کالبدی ۱۴۷
عناصر کالبدی مهم در خوانایی ۱۴۷
نکات اساسی مهم در تقویت فضایی گره‌ها ۱۵۰
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت انعطافپذیری ۱۵۴
انعطاف‌پذیری در عرصه همگانی ۱۵۴
انعطاف‌پذیری ساختمان‌ها ۱۵۴
انعطاف‌پذیری مقیاس کلان ۱۵۴
انعطاف‌پذیری مقیاس خرد ۱۵۴
واحدهای مسکونی ۱۵۵
عوامل پشتیبان انعطاف‌پذیری در داخل ساختمان ۱۵۶
عمق ساختمان ۱۵۶
دسترسی ۱۵۷
ارتفاع ساختمان ۱۵۷
قالب ترجیحی ۱۵۸
سازمان‌دهی درونی ۱۵۸
بخشهای نرم و سخت ۱۵۸
بخشهای فعال و غیرفعال ۱۵۸
انعطاف‌پذیری در مقیاس خرد ۱۵۹
فضای بیرونی همگانی ۱۵۹
طراحی لبه فضا ۱۵۹
طراحی در متن فضا ۱۶۰
فعالیت سواره ۱۶۰
فعالیت پیاده ۱۶۰
اهمیت خرداقلیم ۱۶۱
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت تناسبات بصری ۱۶۲
عوامل ایجاد مناسبت بصری ۱۶۲
نحوه تفسیر اماکن توسط استفاده‌کنندگان ۱۶۲
شاخص‌های مورد نظر در بحث مناسبت بصری ۱۶۲
عناصر مشابه- ارتباطات مشابه ۱۶۳
عناصر مشابه- ارتباطات متفاوت ۱۶۴
عناصر متفاوت- ارتباطات مشابه ۱۶۵
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت غنای حسی ۱۶۶

عنوان **صفحه**

نحوه گزینش استفاده‌کنندگان در تجربیات حسی ۱۶۷
مبانی غنای حس بصری ۱۶۷
کاربرد تضادها جهت دستیابی به غنای حسی ۱۶۸
فاصله دید (رؤیت) ۱۶۹
زمان دید ۱۶۹
اصول طراحی برای دستیابی به کیفیت رنگ تعلق ۱۶۹
رنگ تعلق و خوانایی ۱۶۹
گونههای رنگ تعلق ۱۷۰
علل رنگ تعلق بخشیدن به فضا ۱۷۰
محدودیتها در رنگ تعلق ۱۷۰
فضاها و مکان‌های هم در جریان ۱۷۱
رنگ تعلق خصوصی ۱۷۱
رنگ تعلق همگانی ۱۷۱
الگوهای رنگ تعلق ۱۷۲
طراحی شهری هماهنگ ۱۷۲
هماهنگی و تضاد در نماهای شهری ۱۷۲
شرایط مختلف در تحلیل ملزومات طراحی در یک طرح کالبدی ۱۷۳
ضوابط طراحی برای تحقق هماهنگی ۱۷۳
هماهنگی ارتفاعی ۱۷۴
تباین در محیط کالبدی ۱۷۵
عدم تجانس در محیط کالبدی ۱۷۶
فواید تباین ۱۷۷
تناسبات و هماهنگی در فضای خیابان ۱۷۷
درک مفاهیم فضایی ۱۷۷
ابزار تعیین مقیاس ۱۸۰
ابعاد طولی فضا در طراحی خیابان ۱۸۲
فضا و سیمای خیابان ۱۸۲
تأثیر جدارهها بر بعد طولی فضای خیابان ۱۸۳
تأثیرپذیری بعدی طولی فضای یک خیابان توسط مسقف‌کردن عرض آن (ساباط) ۱۸۶
تأثیر جدارهها بر بعد عرضی فضای خیابان ۱۸۶
تأثیر جدارهها بر بعد ارتفاع فضای خیابان ۱۸۸
عوامل کیفی فضای پلازا (میدان) ۱۹۰
فرم شهری و فرم ساختمان ۱۹۲
ارتباطات فرمی ۱۹۲
کنترل ارتفاع ۱۹۲
کنترل تابش آفتاب ۱۹۴
خلاصه فصل ۱۹۶
تستهای آخر فصل ۱۹۸
پاسخ تستهای آخر فصل ۲۰۳

عنوان **صفحه**

تقسیم‌بندی بافت شهری در شهرهای ایران ۲۰۷
الف- بخش درونی ۲۰۷
ب- بخش میانی ۲۰۹
ج- بخش بیرونی ۲۰۹
د- گسترش‌های پیشنهادی در شهرها ۲۰۹
اصول سازمان دادن فضاهای شهری ۲۰۹
۱- فضای خارجی، فضای داخلی ۲۰۹
۲- اصل هم‌پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی ۲۱۰
۳- اصل محصور کردن فضا ۲۱۰
۴- اصل مقیاس و تناسب ۲۲۰
۵- اصل فضاهای متباین ۲۲۵
۶- اصل قلمرو ۲۲۷
۷- اصل ترکیب (کمپوزیسیون) ۲۲۹
۸- آگاهی از فضا ۲۳۰
اصول معماری و شهرسازی در اقلیم گرم و خشک ۲۳۰
فضاهای شهری و ترکیب آن‌ها در اقلیم گرم و خشک ۲۳۰
نظم فضایی شهرهای تاریخی ایران ۲۳۰
عناصر اصلی ساخت شهر در اقلیم گرم و خشک ۲۳۱
تأثیر عوامل آب و هوایی بر ساخت شهر ۲۳۴
عناصر ویژه‌ی مجموعه‌های شهری و روستایی در نواحی گرم و خشک ۲۳۶
۴- بادگیر و ترکیب آن در بناهای مختلف شهری و روستایی ۲۴۰
بادگیر سه طرفه ۲۴۱
بادگیر یکطرفه و هواکش ۲۴۲
بررسی ترکیب خانه و عناصر معماری آن نظیر گنبد، بادگیر، ایوان و حیاط در برابر عوامل آب و هوایی ۲۴۴
نکات عمده طراحی شهری در مناطق گرم و خشک ۲۴۵
نمونه فضاهای شهری ۲۴۶
ایران ۲۴۶
یزد ۲۴۸
جهان ۲۵۱
خلاصه فصل ۲۵۴
تستهای آخر فصل ۲۵۵
پاسخ تستهای آخر فصل ۲۵۸
سؤالات تحلیل فضاهای معماری و شهری سراسری سال ۱۳۹۰ ۲۵۹
پاسخنامه تحلیل فضاهای معماری و شهری سراسری سال ۱۳۹۰ ۲۶۳
سؤالات تحلیل فضاهای معماری و شهری سراسری سال ۱۳۹۱ ۲۶۴
پاسخنامه تحلیل فضاهای معماری و شهری سراسری سال ۱۳۹۱ ۲۶۷
سؤالات تحلیل فضاهای معماری و شهری سراسری سال ۱۳۹۲ ۲۶۸
پاسخنامه تحلیل فضاهای معماری و شهری سراسری سال ۱۳۹۲ ۲۷۱
سؤالات تحلیل فضاهای شهری آزاد سال ۱۳۹۰ ۲۷۲

فصل اول

طراحی شهری: مفاهیم و مولفه‌ها

فصل اول

طراحی شهری: مفاهیم و مولفه‌ها

ماهیت طراحی شهری و طراحی شهر

پیش از آغاز بحث پیرامون تحلیل فضاهای شهری بهتر آن خواهد بود تا به بحث مختصری پیرامون تاریخچه، معنا و مفهوم طراحی شهری و حوزه عمل آن بپردازیم.

در طول تاریخ بشری و به ویژه در طول سده اخیر که توجه به حوزه شهرسازی و طراحی شهری روز به روز بیشتر گردیده است، همواره تعاریف مختلفی برای طراحی شهری ارائه شده است که هریک به نوعی بیانگر دیدگاه و از سویی نیازمندی‌های حرفه‌ای آن دوره خاص به طراحی شهری بوده است.

واقعیت این است که طراحی شهری فعالیت جدیدی نیست و با شکل‌گیری فضای خصوصی زندگی انسان از سویی و فضای عمومی برای فعالیت‌های مختلف وی از سوی دیگر تکوین یافته است. امروزه اعتقاد بر این است که طراحی شهری حوزه‌ای است پیچیده و میان رشته‌ای که با شاخه‌های مختلف علمی و هنری مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری، منظرسازی، مهندسی فنی، مهندسی حمل‌ونقل و ترافیک، روان‌شناسی و حقوق سروکار دارد. در عین حال این حوزه با تصمیمات سیاسی مؤثر در ساختار کالبدی شهر و نیز با فرهنگ و جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد.

(توسلی، ۱۳۶۸: ۴)

به تعداد طراحان شهری، تعریف طراحی شهری وجود دارد. تقریباً کلیه تعاریف، طراحی شهری را به عنوان پلی بین برنامه‌ریزی و معماری تلقی کرده‌اند. در دهه ۱۹۶۰ این دو رشته که «توجه خود را معطوف به طراحی محیط شهری کرده بودند»، تصمیم گرفتند از یکدیگر جدا شوند. لذا هر کدام دوره‌های آموزشی خاص دانشگاهی برای خود به وجود آوردند. برنامه‌ریزی روی الگوهای کاربری زمین و مباحث اجتماعی- اقتصادی متمرکز گردید و معماری روی طراحی ساختمان‌ها. دیری نگذشت که شکاف مسئولیت‌ها بین دو رشته بروز کرد و طراحی شهری به منظور پوشش دادن به زمینه‌هایی که نه معماری و نه برنامه‌ریزی هیچکدام حاضر به قبول مسئولیت آن نبودند پا به عرصه وجود گذاشت: یعنی **طراحی فضاهای عمومی.**

(فری، ۱۳۸۳: ۲۱)

جان لنگ در کتاب طراحی شهری خود در این‌باره اینگونه بیان می‌دارد که : «بسیاری از رشته‌ها به کیفیت عرصه عمومی شهرها و سایر سکونتگاه‌های انسانی توجه دارند. شهرسازان و معماران منظر در این علائق شریک‌اند. برعکس معماران، هنگامی که به عنوان معمار کار می‌کنند، اغلب به طراحی ساختمان برای مشتری‌های خاص می‌پردازند و از خواسته‌های مشتریان خود و از حقوق خود به عنوان هنرمند به شدت دفاع می‌کنند. اما طراحی شهری به عنوان یک رشته جامع طراحی دیده می‌شود که دربرگیرنده زمینه‌های متداول و متداخل شهرسازی، معماری، منظر، عمران و معماری است. زمینه تخصصی طراحی شهری، طراحی طرح‌های خاص نظیر: شهرهای جدید، حومه‌های جدید شهری، حوزه‌های جدید

شهرها و حومه‌ها، بازسازی و نوسازی شهری و میادین و خیابان‌های شهری است. به هر حال می‌توان گفت که زمینه تخصصی طراحی شهری یک موضوع و آن: **طراحی عرصه عمومی** و شهری در مقیاس شهر و اجزای آن است».

طراحی شهری با **تولید عرصه عمومی کالبدی** سکونتگاه‌های انسانی در عرصه عمومی تصمیم‌گیری سروکار دارد.

(لنگ، ۱۳۸۶: ۱۴)

تاریخچه تکوین حرفه طراحی شهری

بشر از همان آغاز تمدن و شهرنشینی خود براساس فطرت خویش و به پیروی از آنچه در طبیعت می‌دید تمایل به ایجاد نظم و نظام‌دهی را در آنچه می‌ساخت هدف قرار داد. حرفه طراحی شهری نیز در چارچوب همین نیاز کلی انسان به نظم و در پاسخ به نیازهای خاصی از جامعه بوجود آمد.

به عبارت ساده، می‌توان گفت که هدف طراحی شهری مآلاً همان هدف شهر است. شهرها و یا به عبارت صحیح‌تر مجتمع‌های زیستی به منظور تأمین مقاصد خاص و معینی برای ساکنینانش ایجاد شدند و طراحی شهری می‌تواند به حصول مؤثرتر، مستقیم‌تر و آگاهانه‌تر هدف‌های فوق کمک کند.

(بحرینی، ۱۳۷۷: ۱۲)

اما همزمان با پیدایش شهر-کشور در یونان بود که برای اولین بار روش‌های سیستماتیک شهرسازی معرفی می‌شود. تا این زمان یک مجموعه مدون برای تئوری طراحی شهری وجود نداشت. به جای آن مجموعه‌ای از تصورات و مفاهیم کلی و عملی بود که نشان می‌داد در هر مورد چگونه می‌توان عمل کرد. در حقیقت، تا این زمان حرفه طراحی شهری اساساً به عنوان یک هنر عملی مطرح بود. به این ترتیب که اصول و قواعد ساده و عملی هنری را برای طراحی محل مورد نظر بکار می‌گرفتند.

لذا خصوصیات دوره یونان که عبارت بود از امپراطوری و حکومت مقتدر، استثمار بردگان و بوجود آمدن شهرهای کوچک بصورت شهر-کشور طراحی شهری را در بوجود آوردن سه نوع نظم در اینگونه شهرها خلاصه می‌کرد: نظم بصری، نظم هندسی و نظم ریاضی.

(بحرینی، ۱۳۷۷: ۱۳)

در دوران امپراطوری رم تعدادی معیارهای هنری کاملاً جدید بوجود می‌آید. یکی از موفقیت‌های عمده این دوره مقیاسی بود که در شهرسازی و طراحی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این دوره نیز قدرت امپراطوری اوج می‌گیرد و شهرها به صورت بخشی از یک امپراطوری بزرگ درمی‌آیند. طراحی شهری ایجاد نظم هندسی را به صورت فوق‌العاده تجویز می‌نماید. قرینه-سازی خشک و محورسازی هرچه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد تا قدرت امپراطوری را منعکس کند. انضباط و نظم شدید و قاطعی در هنر و معماری پدید می‌آید.

(بحرینی، ۱۳۷۷: ۱۵)

در دوره قرون وسطی می‌توان تلفیقی از شهرهای طراحی شده و اورگانیک را مشاهده کرد که اولی تابع قواعد دقیق هنری بوده و دومی رشدی طبیعی و خودرویانه داشته است.

در این دوره شهرهای اورگانیک که دارای نظم طبیعی بوده و به طور خودبخودی و تدریجی رشد پیدا می-کند، شکل غالب شهرهای اروپایی را به وجود می‌آورند. لیکن به هر جهت شکل این شهرها به شدت تحت تأثیر مهمترین عامل نظم-دهنده یا کلیسا قرار می‌گیرد. در دوره رنسانس، ایتالیا الگویی را بدعت گذاشت که اساس آن احیای شکل‌های هنری

کلاسیک یونان و رم باستان بود. برخلاف قواعد خشک و عینی زیبایی شناسی متداول در دوره رم و یونان، اصول نظامی حاکم بر فعالیت‌های طراحی شهری در این دوره گردید. وجود استحکامات و استفاده از توپ نقش بسیار مؤثری بر شکل-گیری شهرهایی که در دوره اول رنسانس ساخته شد، بر عهده داشت. بعدها این اصول از ایتالیا به فرانسه و انگلیس و بالاخره به تمام اروپا رسوخ پیدا می‌کند.

(بحرینی، ۱۳۷۷: ۱۸)

در این دوره بیش از هر دوره دیگری طراحی شهری بعنوان معماری در مقیاس وسیع مطرح بوده است.

تا شروع انقلاب صنعتی، طراحی شهری به عنوان یک هنر مطرح بود که متکی به اصول و قواعد خاصی بود که از ارزش‌ها و نیازهای خاص جامعه نشأت می‌گرفت. هدف طراحی شهری تأمین هرچه بیشتر این هدف‌ها و رفع نیازهای تعیین شده بود. مهم‌ترین و متمایزترین نوع این هدف‌ها، زیبایی محیط بود.

هنوز دنیای غرب در تب و تاب انقلاب صنعتی و مسائل مبتلا به آن می‌سوخت که مرحله مهم‌تری از انقلاب صنعتی به نام انقلاب اطلاعاتی با آثار و نتایجی به مراتب شدیدتر و عمیق‌تر از انقلاب صنعتی بوقوع می‌پیوندد. در طراحی و برنامه‌ریزی، روشهای کمی و تجزیه و تحلیل و استدلال جای خلاقیت هنری را می‌گیرد و به علت ماهیت مسائل مبتلابه یک نوع طراح شهری جدید به اسم طراح عالم در مقابل طراح هنرمند ظاهر می‌شود. و این خود آغاز نوعی دوگانگی در حرفه طراحی شهری است.

(بحرینی، ۱۳۷۷: ۲۲)

دکتر بحرینی مشخصات طراحی شهری را چنین بیان می‌دارد:

۱- طراحی شهری اساساً با جنبه‌های کالبدی و فضایی محیط سروکار دارد ولی شکل و فضای شهر بهرحال از عملکردهای آن قابل تفکیک نیست. بنابراین اجزاء تشکیل‌دهنده طراحی شهری را سه عامل فعالیتهای شهری، فضاهای شهری و فرم شهری تشکیل می‌شوند که اولی محتوا یا مظروف و دومی و سومی قالب یا ظرف طراحی شهری محسوب می‌شوند.

۲- چارچوب زمانی فعالیتهای طراحی شهری که اغلب محصولی ناتمام و محدود دارد در مقایسه با معماری که محصولی تمام شده و کامل دارد بلندمدت‌تر است.

۳- در طراحی شهری همانقدر به محصول کار طراحی توجه می‌شود که به فرایند و مراحل تهیه و تدوین طرح.

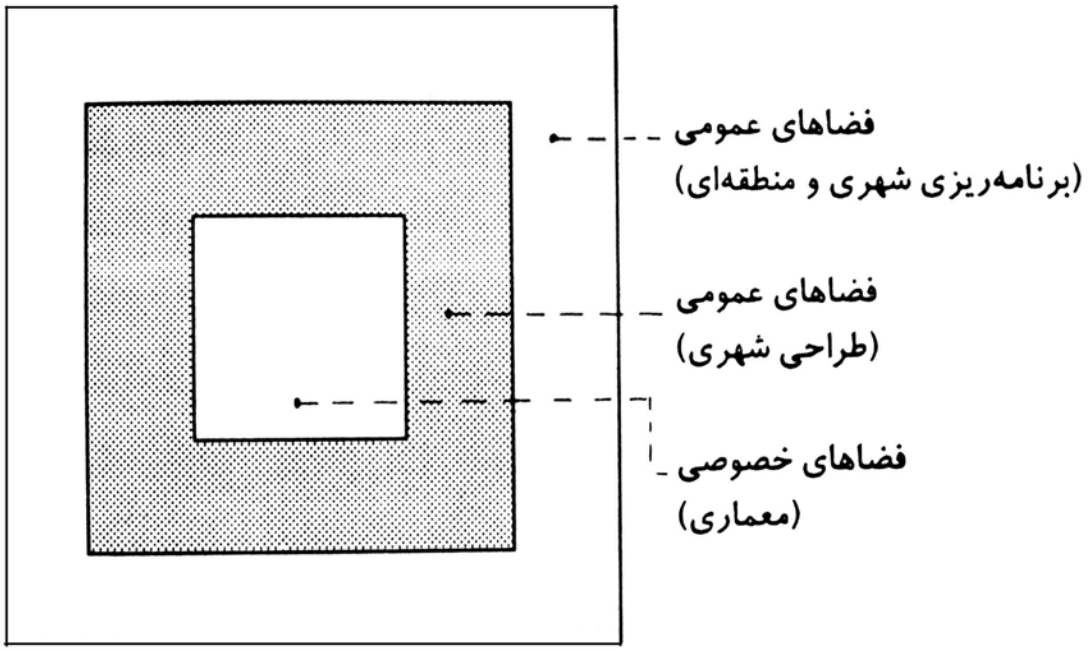
۴- برخلاف معماری که با تک‌تک ساختمان‌ها سروکار دارد، طراحی شهری با مجموعه ساختمان‌ها و فضاهای عمومی در بافت شهری و روابط بین آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند.

۵- طراحی شهری در عین حال هم جنبه‌های کالبدی و هم جنبه‌های فضایی شهر را مورد توجه قرار می‌دهد.

۶- برخلاف آموزش معماری، طراحی شهری، بیشتر به فرایند و برنامه کار توجه دارد تا به محصول و نتیجه آن.

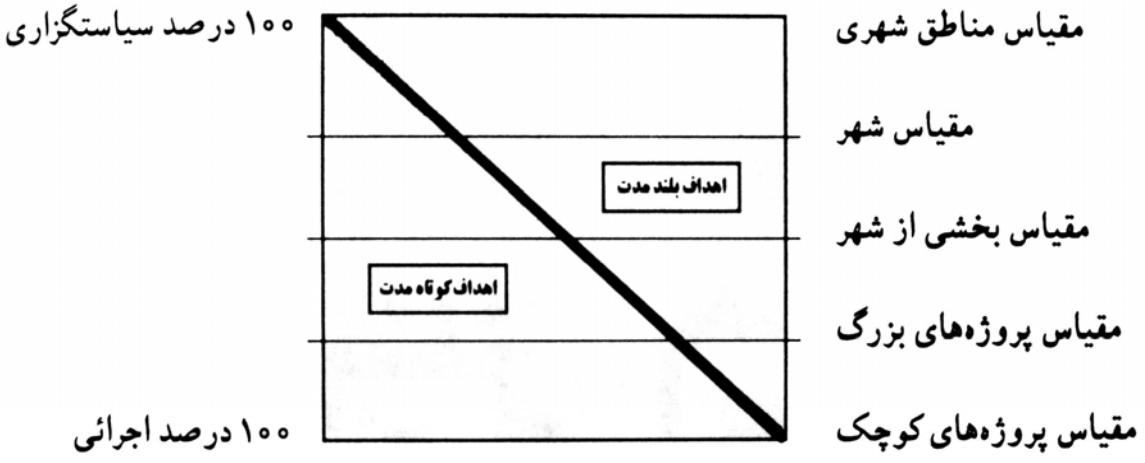
۷- از نظر موقعیت حرفه‌ای، طراحی شهری از یک طرف با معماری و از طرف دیگر با برنامه‌ریزی شهری در ارتباط است. این موقعیت، خصوصیات پیچیده طراحی شهری را چه از نظر کالبدی، فضایی و چه تصمیمات کلی شهری (عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ...) مشخص می‌سازد.

(بحرینی، ۱۳۷۷: ۳۰)



ارتباط بین معماری، طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از جهت فضاهای خصوصی و عمومی

۸- کوچکترین مقیاس طراحی شهری، مقیاس پروژه‌های کوچک در حد بلوک شهری، میدان و یا بخشی از یک محور ارتباطی است. چنین پروژه‌هایی معمولاً اهداف کوتاه مدتی داشته و ابزار اجرایی آن مستقیم و همانند معماری است. در سطوح دیگر، ممکن است برحسب مقیاس و وسعت موضوع، ترکیبی از ابزار اجرایی مستقیم و غیرمستقیم مورد استفاده قرار گیرد.



مقیاس، اهداف و ابزار اجرائی طراحی شهری

مقیاس طراحی شهری

در خصوص مقیاس طراحی شهری باید اذعان داشت که طراحی شهری در ابعاد مختلفی معنا و کاربرد دارد. طراحی در مقیاس کوچک یا همان طرح‌های میادین، خیابان‌ها و ... مفهومی محدود دارد، محصول آن مشخص است و خواست‌های طراح بیشتر مبتنی بر مواردی مانند راحتی، زیبایی، دوام و صرفه اقتصادی است، اما طراحی در مقیاس شهر و منطقه مفهومی وسیع‌تر پیدا می‌کند و در اینجا نتیجه کار نه براساس طرح‌های قطعی، بلکه برپایه طرح‌های انعطاف‌پذیر و مبتنی بر رهنمودهای مشخص قرار می‌گیرد که با محاسبه عوامل مؤثر سیاسی و اجتماعی- اقتصادی به صورت مداوم در طول زمان شکل می‌یابد.

(توسلی، ۱۳۶۸: ۵)

همچنین همان‌طور که ذکر شد، به تقریب تمام تعاریف طراحی شهری حاکی از این است که طراحی شهری با عرصه عمومی (یا قلمرو عمومی و یا فضای شهری) و عناصر تشکیل دهنده آن سروکار دارد. یکی از بهترین تعاریف در این موضوع چنین است:

طراحی شهری بسیاری از زمینه‌ها نظیر مکان‌سازی، مسئولیت زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و توجیه اقتصادی را در خلق مکان‌هایی زیبا و باهویت با یکدیگر تلفیق می‌کند. طراحی شهری از موضوعات مرتبطی چون سیاست، برنامه‌ریزی و حمل‌ونقل، طراحی معماری، اقتصاد توسعه، منظر و مهندسی اقتباس کرده، ولی از مرز هر یک فراتر رفته است. طراحی شهری به خلق یک چشم‌انداز برای یک منطقه و به وجود آوردن مهارت‌ها و منابع به منظور تحقق آن چشم‌انداز دارد.(LIewellyn- Davies)

طراحی شهری از پروژه‌هایی با چند ساختمان تشکیل می‌شود که از نظر اندازه متفاوت بوده و از مجموعه‌های ساختمانی شروع و به بخش‌هایی از شهر و در نهایت به کل شهر ختم می‌شود. گاهی طراحی شهری خود ساختمان‌ها را نیز در برمی‌گیرد. اما اغلب تنها تا آن حد وارد معماری بناها می‌شود که کاربری و نمای ساختمان‌ها به ویژه در طبقه همکف عرصه عمومی را تعریف می‌کند.

(لنگ، ۱۳۸۶: ۱۷)

در این مورد دکتر بحرینی در کتاب فرایند طراحی شهری معتقد است طراحی شهری می‌تواند در پنج مقیاس منطقه شهری، شهر، بخشی از شهر، پروژه‌های بزرگ و پروژه‌های کوچک کاربرد داشته باشد. لیکن مکانیزم طراحی، ابزار، زمان و نحوه اجرای طرح‌ها در مقیاس‌های مختلف متفاوت است. بزرگترین مقیاسی که اعمال طراحی شهری در آن قابل تصور است، مقیاس مناطق شهری است. در چنین مقیاسی قاعدتاً اهداف بلندمدت دنبال می‌شود و ابزار اجرای طرح‌ها کلاً سیاستها، ضوابط، کدها و استانداردها می‌باشند.

پیش از ورود به بحث فضای شهری و اجزاء و عناصر طراحی شهری نیازمند یک تعریف کلی از فضا و محیط هستیم:

محیط

محیط به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و بصورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هرچند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما ارسال می‌گردند. هرچند که تنها برخی از آنان در گزینش ادراک، جذب می‌گردند.

فضای شهری نیز به عنوان ساخته‌ای مصنوع در پاسخگویی به مسائل شهری شهروندان (ترافیکی، اجتماعی، کالبدی و ...) یک محیط محسوب می‌گردد. اما در کل فضای شهری همچون هر سیستمی مجموعه‌ای از سیستم‌های متعدد است که مربوط به یک سیستم مبنا بوده و متقابلاً بر سیستم‌های منتج اثر گذارده و از آنان تأثیر می‌پذیرد.
(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۵۸)

انسان برای درک رویدادهای محیط خود نیازمند قواعد و قالب‌هایی است که بتواند به کمک آن‌ها بافت خبرها را بدست آورد. به کمک این قواعد و قالب‌هاست که انسان در ذهن خویش می‌تواند با به هم پیوستن مقادیری از این علائم خبری "طرح‌واره"هایی تشکیل دهد که به واسطه آن‌ها محیط را آسان‌تر درک نماید.

در این راستا، فرد با کمک اندام‌های حسی خود اطلاعات دریافتی (فضا) را تجزیه و تحلیل کرده و در نهایت آنان را ادراک می‌کند. در "فرایند ادراک" اطلاعات دریافتی (فضا) با اطلاعات، ارزش‌ها و ذهنیات بایگانی شده در حافظه، ترکیب یافته، مقایسه شده و یا محک زده می‌شوند. و در نهایت تصویری از محیط در ذهن فرد ایجاد می‌شود (مکان). به عبارت دیگر در اینجا با سه مقوله روبرو هستیم که تفکیک و شناخت آن‌ها برای هر طراح شهری از ملزومات است:

- **فرم (Form)** : آنچه که به صورت اطلاعات واقعی وجود داشته و بالقوه قابل ارسال است. (شامل اطلاعات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اقلیمی و ...)
- **منظر (Scape)**: آنچه که به صورت دسته‌ای از اطلاعات ارسال شده از واقعیت، توسط فرد گزینش شده (آگاهانه یا ناآگاهانه) و بصورت بالفعل ادراک می‌گردد.
- **تصویر ذهنی(Image)** : اطلاعات پردازش شده از فضا در ذهن. از آنجا که یک فضای شهری کلیتی است متشکل از اجزاء بوجودآورنده کل و رابطه میان ان‌ها، طراحی شهری هم در زمینه‌های کل و جزء، و هم روابط میان آن‌ها دخیل است. لذا شناخت هرکدام از لایه‌های ادراکی فضای شهری (فرم، منظر و تصویر ذهنی) و اجزاء آن و موارد تغییر هر کدام، در نحوه ادراک فضا و در نتیجه بر طرح مؤثر است.

فضا (جوهر و اساس حوزه طراحی شهری)

موضوع و دستمایه اصلی طراحی شهری را می‌توان فضا قلمداد نمود. لذا یافتن معنایی برای آن که بتواند در این حوزه کاربرد یابد ضروری است. علوم مختلفی نظیر جغرافیا، برنامه‌ریزی و معماری با اینکه فضا را به عنوان نقطه مشترک فعالیت‌های خود پذیرفته‌اند، اما از زوایای مختلفی به آن می‌نگرند. اما شناخت فضا برای طراح شهری که انگیزه دگرگون‌سازی و بهبود فضای شهری را در نظر دارد ضروری است.

فضا چیزی نیست که تعریف دقیق و مشخصی داشته باشد ولی با این حال قابل اندازه‌گیری است. نظیر اینکه می‌گوییم: **هنوز فضای کافی وجود دارد** و یا این‌که **فضا پر شده است** و ...

ارسطو فضا را با ظرف قیاس می‌کند و آن را جایی خالی می‌داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه همواره برای آن نهایتی وجود دارد.

در مقابل جیوردانو برونو معتقد است: فضا مجموعه‌ای است از روابط میان اشیاء و آن‌گونه که ارسطو بیان داشته است حتماً نمی‌بایست که از همه سمت محصور باشد و نهایتی داشته باشد. همواره ارتباطی میان ناظر و فضا وجود دارد و یک نسبت نظم یافته این دو را به یکدیگر مربوط می‌سازد. این موقعیت مکانی افراد است که فضا را تعریف می کند و بنا به نقطه دید وی به صور مختلف قابل ادراک می‌باشد.

درباره مفهوم فضا در معماری، چومی دو رویکرد در تعریف فضا را مطرح می‌کند: اولی «متمایز ساختن فضاست»، بعدی تجویزی که هنر و معماری متوجه آن‌اند و دومی، «بیان ماهیت دقیق فضاست»، بعدی توصیفی که مورد توجه فلسفه، ریاضیات و فیزیک است.

برونو زوی فضا را ذات معماری می‌داند: «نماها و دیوارهای یک خانه، کلیسا یا کاخ، اهمیتی ندارد که چقدر زیبا باشند، تنها ظرف‌اند ، دیوارها به جعبه شکل می‌دهند؛ نهاد و مظروف فضای داخلی‌ست».

ظهور نظریه فضا با نخستین جنبش معماری مدرنیستی یعنی آرت نوو، مصادف شد. مفهوم فضا برای مدرنیست‌ها، رابطه میان فضاهای درهم چفت‌وبست شونده شد و این مفهوم به مثابه ذات معماری پذیرفته شد. گیدئون در برداشت و تلقی از فضا در تاریخ معماری، سه مرحله را مطرح کرد. در مرحله اول که نمونه آن در مصر باستان، سومر و یونان موجود است، فضای معماری، با جابجایی و بازی با حجم‌ها، ساخته می‌شد و به فضای داخلی کمترین توجه می‌شده است. در مرحله دوم که در نیمه دوران رومیان آغاز شد، فضای معماری مترادف بود با فضای مجوف شده داخل ساختمان. مرحله سوم در آغاز قرن بیستم آغاز شد، با برچیدن دید منفرد پرسپکتیوی، منجر به انقلابی بصری شد. درک و استنباط ما از فضای معماری و شهری، به مثابه پذیرفتن و ستایش از «کیفیت‌های ساختمان‌های منفرد و مجزا که ساطع‌کننده فضایند»، از نتایج بنیادی این تحول بود.

(مدنی‌پور،۱۳۸۴: ۱۲)

مفهوم فضا از دهه هفتاد مورد سؤال پست‌مدرن‌ها بوده است که علاقه نو شده‌ای به توده جسمانی و معانی آن، از خود نشان می‌دادند.

زوکر بر این عقیده است که اصطلاح فضا بد تفهیم شده، بطوریکه مفهوم اصلی خود را از دست داده است و کریر اعتقاد دارد که امروز ما ادراک سنتی خود را از فضاهای شهری گذشته از دست داده‌ایم.

(توسلی، بنیادی، ۱۳۷۱: ۱۲)

هدمن نیز درباره مقوله فضا معتقد است:

« فضا یک مقوله بسیار عام است. فضا تمام جهان هستی را پر می‌کند و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده است. فضا می‌تواند چنان نازک و وسیع به نظر آید که احساس وجود بعد از بین برود و یا چنان مملو از وجود سه‌بعدی باشد که به هر چیزی در حیطه خود مفهومی خاص ببخشد. فضای سه‌بعدی قابلیت جالب توجهی در بالا بردن کیفیت زندگی ما دارد. فضا به محیط‌زیست اطراف ما احساس راحتی و امنیت می‌بخشد که اهمیت آن در یک زندگی لذت‌بخش از نور آفتاب و محلی برای آرامش کمتر نیست. فضا یک عنصر اساسی در طراحی شهری است.

(هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۴: ۶۷)

فضای شهری

به طور کلی، موضوع فضای شهری با وجود سادگی ناشناخته است. در نگاه به فضای شهری نیز رویکردهای متفاوتی وجود داشته است. برخی تعاریف بر وجوه اجتماعی فضا نظر داشته‌اند. در این تعاریف کارکردها تعیین‌کننده فرم‌ها خواهند بود. این رویکرد بیشتر متعلق به جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان می‌باشد و همواره موضوع چالش‌های اساسی میان این حوزه‌ها از علوم و معمارانی است که نگاه فرمی به فضا دارند.

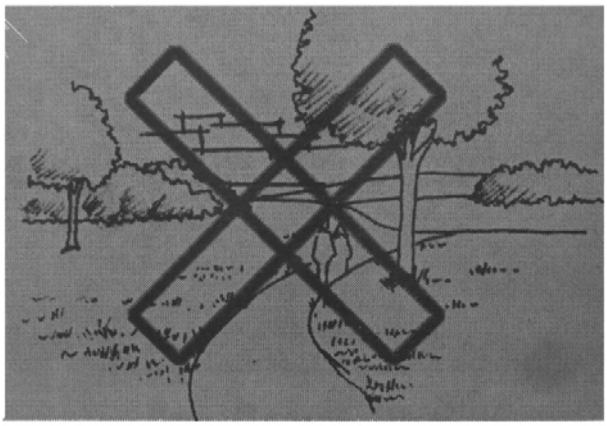
برخی تنها بر جنبه‌های فرمی فضای شهری تأکید نموده‌اند و مبنای تعاریف، طرح‌ها و نگرش‌های خود به فضای شهری را بر این اساس قرار داده‌اند. نمونه آن را می‌توان در کارهای راب کریر مشاهده نمود که فارغ از هر نوع بحث زیبایی‌شناسی و

صرفاً در جهت دوباره به جریان انداختن معنای اولیه فضای شهری به مورفولوژی عناصر پایه در آن می‌پردازد و آن‌ها را به شکل زیر نام می‌برد: خیابان و میدان؛ و فرم‌های پایه آن‌ها، یعنی مربع، دایره و مثلث با تعدادی از گزینه‌های متنوع و ترکیبات این اشکال و فرم‌ها. در این نگاه فضای شهری یک فضای خارجی خواهد بود: تمام انواع فضای میان ساختمان‌ها در شهرها و دیگر مکان‌ها. این فضا کاملاً فیزیکی است.

برخی تعاریف نیز تلاش کرده‌اند تا این مفاهیم را هم‌زمان مدنظر قرار دهند. لذا فضای شهری را اینگونه تعریف نموده‌اند که :

فضای شهری به ترکیبی اطلاق می‌گردد که از فعالیت‌ها، بناهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اداری، تجاری و مانند آن و عناصر و اجزای شهری به صورتی آراسته، هماهنگ و واجد نظم ، و بالطبع با ارزش‌های بصری سازمان یافته باشد.
(توسلی، ۱۳۷۹: ۶)

فضای شهری فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. به گفته لینچ : «در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی از مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند». این فضا بایستی توسط یک نهاد عمومی اداره شود تا در جهت منافع عمومی و جامعه مدنی اداره و نیازهای آن تأمین شود.



فضاهای فاقد تعامل اجتماعی، فضای شهری نیست

مأخذ: مبانی نظری و طراحی فضای شهری-پاکزاد

بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد.

انکته: پس آن‌دسته از نرم‌فضاها و سخت‌فضاها که بستر تعامل اجتماعی نیستند فضای شهری نامیده نمی‌شوند.

کاربرد عمومی فضاهای شهری ایجاد آرامش، سرگرمی و محلی برای گردش، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت، و امکان تردد می‌باشد. و از آنجایی که در عین حال هیچ تک عملکرد خاصی بر آن مترتب نیست، استعداد پذیرش تمام این کاربری‌ها را با هم یا به صورت گزینشی دارد.
(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۸۱)

بنابراین سه شاخص برای تشخیص فضاهای شهری وجود دارد:

۱- عمومی‌بودن فضا

۲- باز بودن آن

۳- برقراری تعاملات اجتماعی در فضا.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۸۴)

همان‌گونه که اشاره شد، بسیاری و به خصوص معماران بر جنبه‌های فرمی فضای شهری تأکید دارند و معتقدند دو عنصر اساسی فضای شهری عبارتند از : **میدان و خیابان**، اما آیا هر میدان و یا فضایی نیز فضای شهری محسوب می‌شود و اگر نه چرا؟

زوکر اعتقاد دارد که فضای شهری ساختاری است سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم، به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی و بر قواعد معین و روشنی استوار است که عبارتند از: ارتباط میان شکل بدنه و ساختمان‌های محصورکننده، همشکل و یکدست یا متنوع بودن آن‌ها، ابعاد مطلق این بدنه‌ها نسبت به پهنا و درازای فضایی که در میان گرفته شده، زاویه گذرها یا خیابان‌هایی که به میدان می‌رسند و سرانجام موقعیت و محل بناهای تاریخی، آبنماها و فواره‌ها یا عناصر سه بعدی دیگری که می‌توان بر آن‌ها تأکید کرد.

در مطالعه و بررسی فضاهای شهری توجه به این نکته اهمیت دارد که فضای شهری را نه به صورت مجزا بلکه همچون عنصری از ساخت فضایی شهر باید شناخت. این خصوصیت را در بیشتر شهرهای قدیمی باارزش می‌توان دید. برای ادراک هرچه بیشتر فضاهای شهری و پی بردن به مفهوم و معنی آن بهترین راه زندگی کردن در این فضاهاست.

(توسلی و بنیادی،۱۳۷۱: ۵)

نکته دیگری که در تعاریف فضای شهری وجود دارد توجه ویژه به قواعد زیبایی‌شناسی به عنوان عامل شکل‌دهنده و ایجادکننده فضای شهری است. همچنین ارتباطات ویژه بصری و حرکتی در چنین فضایی بااهمیت است. و در غیر این صورت فضای موجود حفره‌ای بیش میان ساختمان‌ها نخواهد بود. ترکیب فضا و فرم، اگر متناسب و زیبا باشد، قابل قیاس با یک اثر هنری است و فرم در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد.

این نظر هنرمندانه یوجین راسکین مستلزم دقت است که معماری – و در اینجا مجموعه معماری فضای شهری- علاوه بر جوانب ملموسی مانند رنگ، مصالح و بعد، با جوانب ناملموسی مانند هماهنگی، وحدت و تناسب نیز سروکار دارد. در واقع همه این‌ها هر یک به نسبتی دخالت دارند، اما تأثیر اصلی در خود فضاست؛

حرکت و فضای شهری

در نگاه اول، فضاهای شهری ایستا و غیرمتحرکند و به همین دلیل نیز آن‌ها را "غیرمنقول" می‌نامند. اما فضای شهری از افراد انتظار حرکت دارد. این بیننده است که برای درک کامل فضا باید در آن حرکت کند. **حرکت احتیاج به زمان دارد.**

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۶۶)

لازمه حرکت وجود فضاست. اسامی مختلفی که برای فضاهای مخصوص حرکت وجود دارد نشانگر این هستند که برای انسان انواع مختلف حرکت وجود دارد: **کریدور، راهرو، خیابان، کوچه و اتوبان** از این جمله هستند.

افراد هرروزه در فضای شهری، محیطی که از صبح تا شب توسط آنان تجربه می‌شود، حرکت می‌کنند. حرکت در فضای شهری باعث ادراک صحنه‌های متوالی می‌گردد. که هر یک تجربه‌ای را برای فرد ایجاد می‌نماید.

در اینجا حرکت فرد و مشخصات مسیر آن، ساختار اصلی این تجربیات متوالی را بوجود می‌آورد. این عناصر سازنده فضا هستند که با ایجاد فضایی همگون و متوالی، در هنگام حرکت فرد، ساختاری مشخص و پیوسته را ارائه می‌دهند.

در ایجاد تجربه‌های متوالی، حرکت فرد یا نظام حرکتی وی و شیوه‌های مختلف حرکتی، سرعت و ... نقش مؤثری دارند. این تجربه نه صرفاً دیداری، علاوه بر اینکه در یک فضای واحد رخ می‌دهد (مانند حرکت در یک میدان) می‌تواند در سلسله-ای از فضاهای مرتبط به هم نیز پدیدار شود.

در این صورت فضاها باید زنجیره‌ای متوالی ایجاد نمایند تا فرد بتواند آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر و بدنبال هم ادراک نماید.

اگر فرد با عبور از داخل فضاها یا در عبور از یک مسیر فضاهای مختلف و قابل تمایز از یکدیگر را ادراک کند و بتواند آن‌ها را مرتبط به هم تلقی نماید، می‌توان گفت توالی فضایی وجود دارد.

نکته: این توالی فضایی لازمه کیفی سلسله فضاهای شهری است. چه در غیر این صورت انسان با فضاهای پراکنده و نامربوط به هم مواجه شده و کلیت شهر را به عنوان فضایی واحد ادراک نمی‌کند.

برای داشتن توالی فضایی در سلسله فضاها رعایت موارد زیر لازم است:

- نظام‌های حرکتی باید با توپوگرافی طبیعی یا مصنوع ارتباط داشته باشد؛ این نظام‌ها می‌توانند در خدمت برجسته‌تر کردن، اعتلا بخشیدن یا نبخشیدن معانی تازه به بناها باشند.
- طرح هر شبکه باید با ضرباهنگ حرکتی در آن منطبق شود. و نیز با طبیعت کلی محیط اطراف مرتبط باشد. وجود فرم‌ها و انحناها برای شبکه راه‌ها و ایجاد تنوع، جذابیت در کف و جداره‌ها شرایط ادراک توالی فضا را تسهیل می‌کند. برای این کار می‌توان در فواصل نزدیک، نقاط کانونی و هدف‌های نمادین ایجاد کرد.
- فضا باید همزمان، سرعت‌های مختلف حرکت و ادراک را ارضا کند.

نکته: مجموعه فضاها، هنگامی تجربیات متوالی بدنبال خواهند داشت که دارای وحدت بوده و در عین حال هر فضا دارای شخصیت جداگانه بوده و تنوع لازم در سلسله فضاها دیده شود.

تجربیات متوالی در یک فضا به:

۱- سرعت ادراک

۲- ظرفیت ادراک

۳- قانونمندی‌های دید

بستگی دارند.

کیفیت فضاهای متوالی نیز به:

- محصوریت
- یکمرتبگی
- تنگ و گشاد شدن فضا
- سرپوشیده و مسقف بودن
- ایجاد سایه روشن
- تأکید کالبدی
- موانع بصری
- عوامل وحدت

بستگی دارد.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۶۹)

فضا و زمان

تا پیش از آغاز قرن بیستم، معنای فضا و زمان به صورت دو مفهوم جدا از هم و هر دو تحت غلبه پارادایم مشترک «پیوستگی خطی ریاضی» بودند. از زمان شکل‌گیری نظریه‌های نسبیت خاص و عام، مفاهیم مجزای فضا و زمان، روزبه‌روز به مفهوم ترکیبی فضا-زمان نزدیک‌تر شده‌اند.

این مفهوم در هنر و معماری هم که معطوف به حرکت در درون فضا بود، ایجاد شد. برای مثال کوبیست‌ها، به جای اینکه کارهایشان را از نقطه دیدی ایستا نشان دهند، با حرکت به دور آثارشان، مفهوم بعد چهارم را به کار گرفتند. آن‌ها با گسترش حوزه‌ی دریافت فضا، مفهوم جدیدی از فضا را پدید آوردند و ارائه دادند. با رها کردن پرسپکتیو رنسانسی، که اشیاء را در سه بعد نشان می‌داد، کوبیست‌ها بعد چهارم زمان را افزودند. آن‌ها اشیاء را نسبی می‌دیدند، و آن‌ها را طوری قطعه‌قطعه می‌کردند که هم‌زمان از نقطه دیدهای متعددی قابل دیدن باشند. کوبیست‌ها با این رویکرد، اصلی را معرفی کردند که گیدئون آن را «چیزی که با زندگی مدرن کاملاً پیوند خورده- هم‌زمانی» نامید. فوتوریست‌ها نیز کوشیدند دید بصری متعارف را با به‌کارگیری حرکت در نقاشی‌ها و ترسیمات معماری‌شان وسعت بخشند، که بهترین نمونه‌اش در پروژه‌ی « شهر جدید» آنتونیا سنت‌الیا است، که در آن آپارتمان‌های بلندمرتبه با وسائط حرکتی مختلف در سطوح متفاوت به هم متصل شده‌اند.

(مدنی‌پور،۱۳۸۴: ۲۹)

این شناخت‌ها از حرکت، که بازنمودی از بعد چهارم است، در منشور مشهور ۱۹۳۳ آتن، بکار گرفته شدند. اینجا حرکت را یکی از چهار کارکرد اصلی شهر مدرن می‌دانستند. مدرنیست‌ها قصد داشتند خیابان‌های شهری را منسوخ کنند. نتیجه‌اش ساختمان‌های بلندمرتبه جای گرفته در شبکه‌های حرکت بود، که امکان می‌داد مردم به هنگام حرکت به دور این ساختمان‌ها، فضا را تجربه کنند.

نسلی از منتقدان پست مدرن، از دگرگون‌سازی‌ای، که این دیدگاه به شهرها آورد، انتقاد کردند. برای مثال، ترنسیک در اشاره به فضاهای گسترده‌ای که بدین‌ترتیب پدید آمده بودند، آن‌ها را **«فضاهای گم‌شده»** نامید.

(مدنی‌پور،۱۳۸۴: ۳۰)

در مجموع می‌توان گفت:

محیط زندگی انسان به طور دائم در حال تغییر است. شهرها به تدریج تغییر شکل می‌دهند، ساختمان‌های جدید ساخته می‌شوند و ساختمان‌های قدیمی را خراب می‌کنند یا تغییر فرم می‌دهند. حرکت و به طور کلی زمان، فضای شهری را تبدیل به ماهیتی پویا کرده است. هرچه دامنه گردش زمان وسیع‌تر باشد، فضا پویاتر است. هرچه بررسی فضا در دامنه محدودتری از زمان صورت گیرد، فضا ایستاتر جلوه می‌کند.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۶۷)

همچنین درباره اهمیت مسئله زمان در طراحی بیکن یادآور می‌شود که عامل زمان را در طراحی نمی‌توان نادیده گرفت. اینکه زندگی جریان پیوسته تجربه‌های هماهنگ است، ارتباط فضاها را با یکدیگر همان‌گونه که در طول زمان تجربه می‌شوند و به عنوان یک مسئله عمده طراحی مطرح می‌کند.

از سوی دیگر، ادراک فضایی ناظرین نیز از فضا نیز در طول زمان فرق می‌کند. به این معنی که دریافت معنی و مفهوم یک فضای شهری در طول تاریخ کاملاً متفاوت است. این امر به شکل متفاوت زندگی اجتماعی و فرهنگی و اصولاً فعالیت فضا در طول تاریخ بستگی دارد. مسئله احتساب زمان در طراحی توسط لینچ نیز مورد بحث واقع شده است و معتقد است ما در قالب فضا و زمان به تجربیاتمان نظم می‌دهیم.

(توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱: ۱۸)

فضای شهری و فرهنگ

هر جامعه‌ای دارای اهداف و ایده‌آل‌هایی است و فرهنگ آن جامعه وظیفه نشان دادن ایده‌آل‌های ذهنی را از طریق نمود اشکال عینی بر عهده دارد. در فرایند این استحاله معماری نقش اساسی بازی می‌کند. "معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست".

فرهنگ بر طراحی که نمودار سیستم ارزشی حاکم است تأثیر گذارده و آن را شکل می‌دهد و از طرفی دیگر بطور غیرمستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگانی روانی انسان‌هاست. طراحی تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر جامعه گاه به این سو و گاه به آن سو می‌رود و در نتیجه سبک معماری نیز همین تغییرات را نشان می‌دهد.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۳)

برای شناخت بهتر و فضای شهری بهتر است ابتدا انواع فضاها در شهر را معرفی و بررسی نماییم:

انواع فضاها در شهر

فضاها شامل طیف گسترده‌ای از انواع فضاهای عمومی تا خصوصی می‌باشند. به بیانی ساده می‌توان فضاهای موجود در شهر را به لحاظ **نحوه استفاده** از آن‌ها به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود:

ا. فضاهای خصوصی: آن بخش از فضاهای شهر که به صورت خصوصی توسط اشخاص تحت تصرف یا تملک قرار گرفته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. فضاهایی همچون: خانه‌های مسکونی، حیاط‌ها و باغ‌های خصوصی از این جمله‌اند.

ب. فضاهای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی: این دسته از فضاها به‌گونه‌ای می‌باشند که تحت کنترل یک یا چند گروه بوده، به گونه‌ای که امکان نزدیک شدن به فضا را از فاصله‌ای معین نمی‌دهند. این روند عمدتاً در نقاطی دیده می‌شود که توسعه‌های سیاسی و اقتصادی، به مجزا کردن گروه‌های اجتماعی انجامیده است و لذا ساخت‌وسازها و توسعه‌های مکانی از این روند تبعیت کرده‌اند. لذا:

آن دسته از فضاهای شهر که به علت محدودیت در هدف و کاربری توسط گروهی خاص از افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد، فضاهایی همچون مجتمع‌های مسکونی و محوطه‌های آن‌ها، ورزشگاه‌ها و نمایشگاه‌ها و... جزو فضاهای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی می‌باشند.

ج. فضاهای عمومی: فضای عمومی جایی است که تعامل اجتماعی و تجربه‌ی زندگی روزمره زندگی شهری، در آن روی می‌دهد. فضای عمومی شهری فضایی‌ست که افراد یا سازمان‌های خصوصی آن را کنترل نمی‌کنند، و از این رو به روی عامه مردم گشوده است. ویژگی این فضا، امکان اجازه دادن به گروه‌های متفاوت مردم، صرف‌نظر از طبقه‌ی اجتماعی، قومیت، نژاد و سن‌شان برای درهم جوشیدن است.

(مدنی‌پور،۱۳۸۴: ۲۱۱)

لذا می‌توان گفت، **فضای عمومی:**

نکته: آن دسته از فضاها می‌باشند که «عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و .. حق ورود و حضور در آن‌ها را دارند فضاهایی همچون خیابان‌ها، پارک‌ها ، میادین، بازارها و مساجد». این دسته از فضاها به واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان می‌باشند. از این رو ارتقای کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۷)

به عبارت دیگر، تمامی بخش‌های بافت شهری که عموم به آن دسترسی فیزیکی دارند از میدان، خیابان و پارک یک شهر تا نمای بناهایی که آن‌ها را تعریف و محدود می‌کنند، جزء فضاهای عمومی شهر محسوب می‌شوند. (تیبالدز۱۹۹۲)

همچنین آن بخش از فضاهای خصوصی هم که از فضاهای عمومی قابل رؤیت می‌باشند به نوعی بخشی از فضای عمومی به حساب می‌آیند.

فضاهای باز و بسته

فعالیت‌های جاری در یک شهر بسیار متنوع‌اند. به همان نسبت نیز بستر آن‌ها از تنوع زیادی برخوردار است. هر فعالیت و رفتار یا مجموعه‌ای از آن‌ها، یا در فضایی باز صورت می‌گیرد یا در محدوده‌ای سرپوشیده که اصطلاحاً فضای بسته خوانده می‌شود. در میان انواع فضاهای باز و بسته عمومی، فضاهای باز عمومی، دارای اهمیت ویژه‌ای از دیدگاه حیات جمعی شهروندان هستند. فضای باز عمومی امکان انگیزش و انتخاب آزاد میان رفتارها، حرکت‌ها و اکتشافات بصری را برای تعداد معنی‌داری از مردم شهر فراهم می‌آورد. موفقیت فضاهای باز عمومی تا حد زیادی در گرو رابطه میان فضای پر و خالی آن است. به واقع ماهیت این فضاها تحت تأثیر نوع و موقعیت بدنه‌ها، مقیاس، عناصر موجود در فضا، کف و گشایش فضا و ... است.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۸۰)

نکته: امروزه اکثر مجموعه‌های شهری بی‌شکل و ضدفضا هستند و در آن‌ها فضاهای غیر قابل استفاده، رها شده و فراموش شده به چشم می‌خورد که **فضاهای گمشده** نامیده می‌شوند. مانند : فضاهای رها شده در حاشیه بزرگراه‌ها، محوطه‌های باز بی‌شکل و بی‌کران بین برج‌ها و بلوک‌های مسکونی. این فضاها عملاً جزو فضاهای عمومی به حساب آورده نشده‌اند و فضاهای گمشده یا بلاتکلیف در شهر می‌باشند.

انواع فضاهای شهری

دکتر پاکزاد فضاهای شهری را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱- ورودی‌ها
۲- میدان‌ها و فلکه‌ها
۳- مسیرها
۴- لبه آب
۵- پله

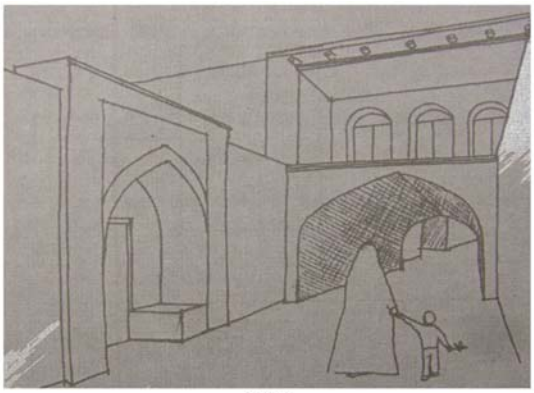
الف. ورودی‌ها

اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیات کلی فضا، آداب ورود، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود.

نکته: ورودی بیش از هر چیز مفصلی برای اتصال دو مکان است و نه تیغه‌ای برای تفکیک آن‌ها.

ورودی فضایی است که می‌تواند وقایع مختلف را در خود جای دهد. اما همه ورودی‌های موجود در شهرها فضای شهری محسوب نمی‌شود. از میان طیف وسیع ورودی‌ها، ورودی شهر و ورودی محله فضاهایی عمومی در عرصه شهر هستند که می‌توانند نقش فضای شهری را ایفا نماید.

(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۸۴)



ورودی

مأخذ: مبانی نظری و طراحی فضای شهری-پاکزاد

توقعات موضوعی از ورودی

احتساب ورودی به عنوان یک مکان برای اتصال، توقعات خاصی را براساس تصویرذهنی و تجربیات افراد می‌طلبد که آن را از حد یک درب ورودی فراتر می‌برد. توقعات مزبور معطوف به ورودی هر نوع فضایی است. اولین توقع فضایی از هر ورودی این است که در این مکان‌ها حریم‌ها و مکان‌های درون و بیرون به آرامی و ظرافت بهم تبدیل شوند. به نحوی که بدون وارد آوردن شوک، افراد بتوانند رفتارهای خود را متناسب با حال و هوای درون، هماهنگ با رویدادهای آن نمایند. لذا **تبدیل-پذیری** جزو اولین ویژگی‌ها برای هر نوع ورودی، از ورودی شهر و محله تا بناهای خاص و خانه می‌باشد.

از طرف دیگر، حوزه‌های دو طرف ورودی در مکان ورودی با هم تلاقی یافته و تا حدی در دل هم نفوذ می‌کنند. طرح ورودی می‌بایستی به گونه‌ای باشد که این **نفوذپذیری** را چه به صورت کالبدی و چه به صورت روانی بسته به شرایط دو عرصه بوجود آورد و احساس راه یافتن یکی در دیگری را در فرد ایجاد نماید. در واقع اتمام یک فضا و شروع شدن فضای دیگر را القاء نماید.